

عنوان مقاله:

سبکشناسی داستان چراغها را من خاموش میکنم با رویکرد سبکشناسی انتقادی

محل انتشار:

فصلنامه متن پژوهی ادبی، دوره 24، شماره 86 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

نویسندگان:

مأده تجلی - دانشجوی دکتری رشته ادبیات، دانشگاه استرالیای جنوبی، آدلاید، استرالیا

یوسف عالی عباس آباد - دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، سمنان، ایران

صدیقه سلیمانی - استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، سمنان، ایران

خلاصه مقاله:

در این مقاله، رمان چراغها را من خاموش میکنم با رویکرد سبکشناسی انتقادی بررسی میشود. پرسش اصلی پژوهش این است که ایدئولوژی پنهان اثر چیست و کدام لایه‌های سبکی به کشف آن کمک میکنند. فرض نگارنده، بر این است که ایدئولوژی حاکم بر اثر به دنبال نشان دادن، نارضایتی زنان، نظام مردسالار مسلط بر فضای اثر، خشونت اجتماعی علیه زنان و نیز راهکارهایی جهت بهبود موقعیت ایشان است. این پژوهش به روش لایه‌ای انجام شده است. در این لایه‌ها، خردلایه‌های کانونساز و کانونشونده، تداوم کانونسازی، بسامد و دیرش، گستره مکانی، ترتیب، تقابل، قطبیت گزاره، وجهیت، رمزگان بدنی، سمبل‌ها و نمادها، آرایه‌های ادبی و واژگان نشان‌دار حضور دارند. نگارنده، ابتدا به بررسی بافت بیرونی متن و سپس به تحلیل در سطح لایه‌های روایی می‌پردازد. بررسی خرد لایه‌های موجود، منجر به کشف ایدئولوژی پنهان متن می‌شود. هدف از این پژوهش، به‌کارگیری سبکشناسی انتقادی به عنوان شیوه‌ای نو در مطالعات سبک-شناسی فارسی است و نشان از این دارد که با بررسی لایه‌های مختلف متنی، می‌توان به درک کاملی از روابط قدرت و ایدئولوژی حاکم بر اثر دست یافت. نتیجه حاصل از بررسی متن، براساس موارد مطرح‌شده -فرض نگارنده- مبنی بر وجود فضای مردسالار حاکم بر اثر و خشونت علیه زنان در اشکال مختلف، اعم از سوق دادن زن به سوی انفعال و سکوت را تایید می‌کند و داشتن شغل و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی را اولین قدم برای مقابله با فضای موجود، توصیف می‌کند.

کلمات کلیدی:

چراغها را من خاموش میکنم، پیرزاد، سبکشناسی انتقادی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1185087>

